

فصلنامه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی

License Number: 85625 Article Cod: SH17K6701401 ISSN-P: 2676-6442

اختلاف قرائت و تحریف قرآن کریم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۱۲/۰۹)

دکتر خلیل اله احمدوند^۱

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی

حدیث شنبه پور

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی

چکیده

در تاریخ قرآن یکی از پدیده‌هایی که وجود داشت و آثار آن اندکی در میان مسلمانان بر جای ماند، اختلاف قرائات است. از آنجا که این امر دستاویزی برای برخی از خاور شناسان برای تهاجم به قرآن و ادعای راهیافت تحریف در این کتاب آسمانی فراهم آورده در صدد برآمده تا ارتباط «اختلاف قرائات» را با موضوع «تحریف قرآن» تبیین نموده و بررسی شود که آیا اختلاف قرائات باعث تحریف قرآن شده است یا خیر؟

واژگان کلیدی: اختلاف قرائات، قرآن، تحریف، تحریف قرآن

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

قرآن کلام وحی و معجزه جاوید پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که خود تاکید دارد بر این که هرگز گرد تحریف دامن پاک آن را نخواهد آلود و خداوند بشارت حفظ آن را از پیش داده است؛ «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر/۹) و این حفظ قرآن و عدم تحریف آن از اعتقادات مسلم ما مسلمین می باشد. یکی از پدیده هایی که در تاریخ قرآن رخ نمود و آثار آن در میان مسلمانان بر جای ماند، پدیده اختلاف قرائات است. از آنجا که این امر دستاویزی برای برخی از خاورشناسان در تهاجم به قرآن و ادعای تحریف در این کتاب آسمانی فراهم آورده، از این رو، اختلاف قرائتها و روشن شدن حقایق آن از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ چرا که دیدگاه ما را نسبت به اصل اعتبار و سندیت قرآن روشن می کند و با پاسخگویی به سؤالهایی که در این زمینه مطرح است، به شبهاتی درباره عدم تحریف قرآن پاسخ داده می شود. در این مقاله می خواهیم به سؤالهایی مانند: علم قرائت چیست؟ اختلاف قرائت و علل آن چیست؟ همچنین هدف مستشرقین در مورد توجه به اختلاف قرائات چیست؟ و آیا این اختلافات به اعتقاد مسلم ما که همان عدم تحریف قرآن است خللی وارد می سازد یا خیر؟ پاسخ دهیم.

● پیشینه

تعارض اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن نوشته آقای سید مرتضی پور ایوانی آذر ۱۳۹۶، بررسی پیشینه و انگیزه های مستشرقین از پرداختن به موضوع اختلاف قرائات قرآنی نوشته آقای محمد جانی پور خرداد ۱۳۹۷.

● اصطلاحات

علم قرائت: علم به چگونگی ادای کلمات قرآن و شناخت اختلاف آنها به حسب راویان است (۱) و با توجه به عللی، از جمله: اختلاف لهجه های قبایل گوناگون عرب و نبودن اعراب در خط عربی صدر اسلام، بعضی از واژه های قرآن به گونه های متفاوت خوانده شده است.

مقری: کسی که در کیفیت ادای کلمات قرآن دانشمند است و آن را به نحو شفاهی از سلسله استادان این علم شنیده است. و با توجه به اینکه در قرائت‌های گوناگون قرآن برخی از امور جز با شنیدن لب به لب فهمیده نمی‌شود لذا خواندن کتابهای این علم برای مقری بودن کافی نیست. (۲)

قاری مبتدی: کسی که شروع به یادگیری قرائت‌ها کند تا اینکه سه قرائت را جدا جدا بشناسد. (۳)

قاری منتهی: کسی که بیشترین و مشهورترین قرائتها را بشناسد. (۴)

بخش اول: بررسی و تبیین قرائت

در میان علوم اسلامی، اولین علمی که به وجود آمد علم قرائت و پس از آن علم تفسیر بود. علم قرائت مربوط به لفظ قرآن است که چگونه خوانده شود و علمی است که به چگونگی ادای کلمات قرآن و شناخت اختلاف آن به حسب راویان می‌پردازد.

در علم قرائت، اصول و قواعد وقف و وصل و مد و تشدید و ادغام و غیره بیان می‌شود. بعلاوه بعضی از کلمات قرآن کریم که به شکلهای مختلف قرائت شده است، شکلهای مختلف قرائت آنها بیان می‌شود.

صحابه قرآن را از پیغمبر اکرم می‌آموختند. رسول اکرم بعضی از صحابه را مستقیماً تعلیم می‌دادند و آنان را که قرآن آموخته بودند مأمور تعلیم برخی دیگر می‌کردند. تابعین که عصر رسول اکرم را درک نکرده بودند قرآن را از صحابه آموختند. در همین زمان گروهی متخصص قرائت و تعلیم صحیح قرآن به وجود آمد و عامه مسلمانان که در این هنگام زیاد شده بودند و با حرص و ولع شدید به آموختن قرآن می‌پرداختند، به این متخصصان روی می‌آوردند. این متخصصان کیفیت قرائت خود را از ائمه یا از صحابه روایت می‌کردند و هر کدام به نوبه خود شاگردان و متخصصانی تربیت می‌کردند که در کتب تاریخ و تراجم ضبط شده است. در زمان رسول اکرم مسلمانها نهایت تلاش خود را به کار می‌بردند تا قرآن کریم را آنچنان قرائت کنند که شخص رسول خدا قرائت می‌کردند. به همین دلیل قرآن را نزد کسانی می‌آموختند که بی‌واسطه یا با واسطه از رسول اکرم (ص) آموخته بودند. در ابتدا قاریان به صورت شفاهی و سینه به سینه فن

قرائت را از اساتید و معلمان خویش فرا می‌گرفتند و به شاگردان تعلیم می‌دادند. سپس در این علم کتاب‌هایی تألیف شد. بعضی مدعی شده‌اند اولین کسی که در علم قرائت کتاب تألیف کرد ابو عبید قاسم بن سلام، متوفی در ۲۲۴ هجری بود، ولی این نظر مردود شناخته شده است. حمزه بن حبيب که شیعه و از قراء سبعة است و در حدود يك قرن قبل از قاسم بن سلام می‌زیسته است، پیش از او به تألیف کتاب در فن قرائت پرداخت.

همچنانکه علامه بزرگوار آیت الله مرحوم سید حسن صدر تحقیق کرده‌اند و در کلام ابن الندیم در الفهرست و کلام نجاشی در فهرست، شاهد آورده‌اند، ابان بن تغلب که از اصحاب و شیعیان امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام است، پیش از همه اینان به تدوین علم قرائت پرداخت. مرحوم صدر اثبات می‌کند که اول کسی که قرآن را جمع‌آوری کرد و نوشت امیر المؤمنین علی علیه السلام بود. اول کسی که قرآن را نقطه‌گذاری کرد - تا آن وقت نقطه‌گذاری در خط معمول نبود - ابو الاسود دؤلی از اصحاب امیر المؤمنین بود. اول کسی که در علم قرائت، کتاب تصنیف کرد ابان بن تغلب بود، و هم او اول کسی است که در معانی قرآن و توضیح لغات مشکل قرآن کتاب نوشت. اولین کسی که در فضایل قرآن کتاب نوشت، ابی بن کعب صحابی معروف است که شیعی است. اول کسی که در مجازات قرآن تألیف کرد فراء، نحوی معروف است که شیعی و ایرانی است. اول کسی که در احکام قرآن کتاب نوشت محمد بن سائب کلبی است. اول کسی که در تفسیر تصنیف کرد سعید بن جبیر بود. به هر حال در میان تابعین و شاگردان تابعین که در قرن اول و دوم می‌زیسته‌اند، ده نفر می‌باشند که به عنوان متخصص فن قرائت شناخته شده‌اند. برخی از قرآن‌پژوهان در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم، به ثبت و ضبط قرائت‌ها پرداختند و در قرن چهارم با توجه به بسیار شدن قرائت‌ها از میان آنها هفت قرائت، به عنوان مرجع برگزیده شد هفت نفر از آن ده نفر معروف تر و مشهورتر و معتبرترند و که به «قراء سبعة» معروفند. سند این قرائت‌ها به پیامبر (ص) می‌رسد. بعدها سه قرائت دیگر به این‌ها اضافه شد. قراء سبعة عبارتند از: نافع بن عبد الرحمن، عبد الله بن كثير، ابو عمرو بن العلاء، عبد الله بن عامر، عاصم بن ابی النجود، حمزه بن حبيب، علی کسائی. چهار نفر از این هفت نفر ایرانی‌اند و سه نفر غیر ایرانی. از چهار نفر ایرانی دو تن شیعه‌اند و از سه نفر غیر ایرانی نیز دو تن شیعه‌اند.

مرحوم سید حسن صدر در کتاب تاسیس الشيعة لعلوم الاسلام از شیخ عبد الجلیل رازی نقل می کند که اکثر پیشوایان علم قرائت اعم از مکی، مدنی، کوفی و بصری و غیره از عدلیه (شیعه یا معتزله) بوده اند. به هر حال چهار نفر از هفت قاری معروف، ایرانی بوده اند:

۱- عاصم: عاصم به اصطلاح از «موالی» است. در علم قرائت شاگرد ابو عبد الرحمن سلمی است و او شاگرد امیر المؤمنین علی علیه السلام بوده است. قرائت عاصم را بهترین قرائات می دانند. در ریحانة الادب می نویسد: «اصل مصاحف را که نوعاً اصل معمولی در کتابت است، موافق قرائت عاصم نوشته و قرائات هر یک از قراء دیگر را با تعیین اسم قاری آن با خط سرخ در حواشی می نوشتند». عاصم در کوفه می زیسته و در همان جا در گذشته است. صاحب مجالس المؤمنین و بعضی دیگر، از جمله علامه سید حسن صدر به تشیع او تصریح کرده اند. وفاتش در حدود سال ۱۳۰ هجری واقع شده است.

۲- نافع: ابن الندیم در الفهرست تصریح می کند که نافع اصفهانی الاصل است و ساکن مدینه. در ریحانة الادب می نویسد: «نافع بسیار سیاه رنگ بود و در فن قرائت امام اهل مدینه بود و رأی و قرائت او مورد اعتماد ایشان بود». او قرائت خود را از یزید بن قعقاع که یکی از قراء دهگانه است اخذ کرد. نافع در سال ۱۵۹ یا ۱۶۹ هجری در گذشت.

۳- ابن کثیر: ابن الندیم می گوید: «گفته شده است که ابن کثیر از اولاد ایرانیانی است که انوشیروان آنها را به یمن فرستاد تا حکومت را از حبشیان گرفتند و به سیف بن ذی یزن که به تظلم به دربار انوشیروان آمده بود سپردند». در ریحانة الادب می نویسد: «ابن کثیر اصول قرائت را از مجاهد، از ابن عباس، از علی علیه السلام اخذ نمود. وفات ابن کثیر در سال ۱۲۰ هجری واقع شده است».

۴- کسائی: مطابق آنچه در الفهرست ابن الندیم آمده است، نام وی علی است و پدرش حمزه بن عبد الله بن بهمن بن فیروز است. کسائی از مشاهیر ادب عربی و از اکابر نحوین است. او معلم فرزندان هارون بود. در سفر هارون به خراسان همراه وی بود و در ری در گذشت و از قضا محمد بن حسن شیبانی فقیه و قاضی القضاء معروف که او نیز همراه هارون بود، در همان روز در گذشت

و در ری دفن شد. هارون گفت امروز فقه و عربیت را در ری دفن کردیم. وفات کسایی در اواخر قرن دوم هجری واقع شده است. کسایی نیز شیعه بوده است.

بخش دوم: اختلاف قرائت

اختلاف قرائات در سراسر قرآن مجید، طبق گفته برخی از مقریان در حدود ۱۱۰۰ مورد، اعم از مهم یا غیر مهم است که بیشتر از دو سوم آن‌ها به ادغام، اظهار، غایب یا مخاطب بودن صیغه مضارع (به اختلاف «ی» یا «ت» بر سر فعل مضارع) مربوط می‌شود. (۵) طبرسی در تفسیر مجمع البیان قبل از شروع تفسیر هر آیه، اختلاف قرائات آن را (در صورت وجود اختلاف) به همراه توجیه لغوی و نحوی آنها بیان کرده است. (۶)

• سبب اختلاف قرائات‌ها

پدید آمدن لهجه و گویش‌ها در درون هر زبان امری طبیعی و ناگزیر است و اختلاف قرائت در هر متنی، به ویژه در متون کهن پیش می‌آید. در قرآن مجید هم با وجود نهایت احتیاط و امانتداری در مشورت و دقت، اختلاف قرائات در آن راه یافت. در حیات و حضور خود پیامبر (ص) نیز گاهی تفاوت دو تلفظ نزد ایشان مطرح می‌شد و حضرت یکی یا گاه هر دو را تصویب می‌کردند. حدیث سبعة احرف (اینکه قرآن هفت وجه مقبول دارد) ناظر به همین معناست، یعنی پیامبر (ص) برای رفع عسر و حرج، و تا زمانی که قرآن همه گیر شود و هیچ صاحب لهجه‌ای خود را از آن یا آن را از خود بیگانه نیابد در این باب چندان سخت نمی‌گرفت و اختلاف تلفظ‌ها را تا حدی که مُخل معنی نبود، خطیر یا خطرناک نمی‌یافت. علل عمده اختلاف قرائات چند امر بود. از جمله:

۱- اختلاف لهجه‌ها: چنانکه مثلاً تمیمی‌ها به جای «حتی حین» «عَتی عین» می‌گفتند.

۲- نبودن اعراب در خط عربی و مصاحف امام؛ تا آنکه ابو اسود دوئلی به رهنمود امام علی (ع) اقداماتی در این باب صورت داد ولی تکمیل آن دو سه قرن به طول انجامید.

۳- نبودن اعجام یا نقطه و نشان در حروف: برای رفع این نقیصه در اواخر قرن اول، در عهد حجاج بن یوسف، کوشش‌هایی به میان آمد اما تکمیل آن نیز تا آخر قرن سوم طول کشید.

۴- اجتهادات فردی صحابه و قاریان و به طور کلی قرآن‌پژوهان که هر یک استنباط نحوی و معنایی و تفسیری خاصی از یک آیه و کلمات آن داشته‌اند.

۵- دور بودن از عهد اول و مهد اول اسلام یعنی مکه و مدینه.

۶- نبودن علائم سجاوندی و وقف و ابتدا و هرگونه فصل و وصلی که بعدها علم قرائت و تجوید عهده‌دار تدارک آن شد. از اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم نهضت تدوین قرائات به وجود آمد و بسیاری از قرائت شناسان بر آن شدند که از میان انواع قرائات، صحیح‌ترین آنها را برگزینند و ثبت کنند. (۷)

• سند قرائت‌ها و آراء فقهاء

قاریان دهگانه کسانی هستند که سند روایت آنان از طریق تابعین تابعین، به تابعین و از آن طریق به صحابه، اعم از کاتب وحی و حافظ قرآن یا دیگران، و سپس به رسول خدا (ص) می‌رسد. سند روایت بقیه قاریان به این روشنی نیست و یا در کتب معتبر مربوط به این علم ثبت نشده است. (۸) طبرسی در مجمع البیان، سند قاریان و راویانی را که قرائت‌هایشان را نقل کرده‌اند طبق شهرهای محل سکونت آن‌ها بیان کرده است. (۹)

اختلاف است که آیا قرائت‌های هفتگانه یا دهگانه متواتر است یا نه، که در ذیل بدین امر پرداخته می‌شود: علامه حلی، قرائت‌های هفتگانه را متواتر می‌داند و قرائت هر یک از آنها را در نماز جایز می‌داند ولی دیگر قرائت‌ها را متواتر ندانسته و خواندن آنها را در نماز جایز نمی‌داند. (۱۰) شهید اول، قرائت‌های دهگانه را متواتر می‌داند و از این رو، گفته است که می‌توان به هر یک از آنها در نماز عمل کرد. (۱۱)

شهید ثانی می‌گوید: «مقصود از متواتر بودن این قرائت‌ها این نیست که هر یک از اینها متواتر است بلکه مراد این است که تواتر اکنون منحصر در آن چیزی است که در این قرائت‌هاست چرا که برخی از آنچه از قرائات هفتگانه نقل می‌شود شاذ است چه برسد به غیر آنها» (۱۲).

اما به گفته آیت‌الله خوئی در میان شیعیان، معروف آن است که این قرائات متواتر نیستند. برخی از این قرائت‌ها، اجتهاد قاری و برخی منقول به خبر واحد هستند. البته بین تواتر خود قرآن با تواتر قرائت‌ها هیچ ملازمه‌ای نیست، زیرا ادله تواتر و ضرورت قرآن به هیچ وجه تواتر قرائت‌ها را اثبات نمی‌کند، چنانکه دلایل نفی تواتر قرائت‌ها به هیچ عنوان به خود قرآن سرایت نمی‌کند. (۱۳)

بلقینی در میان علمای اهل سنت، قرائت‌های هفتگانه را متواتر و سه قرائت دیگر و قرائات صحابه را جزء خبرهای واحد می‌داند و قرائت‌های تابعین مانند: اعمش و یحیی بن وثاب و ابن جبر را شاذ می‌داند. سیوطی گفته وی را نمی‌پذیرد و بهترین نظر را در این زمینه گفته ابن جزری می‌داند که: «هر قرائتی ولو به یک وجه، با قواعد عربیت سازگار باشد و نیز با مصحف‌های عثمانی اگر احتمالاً هماهنگ باشد و به علاوه سندش صحیح باشد، قرائتی درست است و از حروف سبعة‌ای است که قرآن طبق آن‌ها نازل شده و واجب است مردم آن را بپذیرند، خواه قرائت قاریان هفتگانه باشد یا دهگانه یا دیگر قاریان پذیرفته شده؛ و هرگاه یکی از شروط سه‌گانه مذکور یافت نشود، آن قرائت ضعیف یا شاذ یا باطل است، خواه از قاریان هفتگانه باشد یا برتر از آنها. این نظر درست نزد پیشوایان تحقیق از پیشینیان و پسینیان است که دانی، مکی، مهدوی و ابوشامه بدان تصریح کرده‌اند. و همین مذهب پیشینیان است که معلوم نیست کسی از آنها غیر از این گفته باشد.» (۱۴)

بخش سوم: اختلاف قرائات و ادعای خاور شناسان مبنی بر دلالت آن بر تحریف قرآن

پدیده اختلاف قرائات قرآن را که در تاریخ این کتاب آسمانی رخ نمود به دلایل ذیل نمی‌توان یک پدیده مبارکی تلقی کرد:

۱- اختلاف قرائت قرآن از آغاز باعث ایجاد شکاف و اختلاف در میان مسلمانان شد. چنان که تاریخ گواهی داده است کار اختلاف قرائت در همان سده‌های نخست بالا گرفت و گاه طائفه‌ای که بر قرائت خاصی پایبند بودند برای دفاع از قرائت خود در برابر قرائت سایر تیره‌ها تا مرز جنگ و خونریزی پیش می‌رفتند.

۲- در حوزه دینی چند گونه بودن کیفیت قرائت قرآن در برخی از موارد باعث اختلاف در فهم و برداشت از آن در میان مفسران و فقیهان شده است. مراجعه به موارد اختلاف قرائت که در کتاب‌های مختلف و از جمله تفاسیر نقل شده، گواه این امر است. اختلاف بر سر قرائت آیه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (فاتحه/۴). به صورت مالک یا ملک و اختلاف بر سر قرائت آیه «فَاغْتَبِرُوا لِلنِّسَاءِ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ» (بقره/۲۲۲)، که آیا طاء یطهرن با تشدید است یا بدون آن؟ از این نمونه هاست.

۳- اختلاف قرائت قرآن در حوزه برون دینی و از نگاه شماری از خاورشناسان زمینه ساز سه نگاه نا صواب در باره قرآن شده است:

۱-۳- برخی از خاورشناسان این امر را یک ضعف و کاستی در قرآن به عنوان یک کتاب مقدس قلمداد کرده اند. به عنوان نمونه گلدزیهر خاورشناس مجارستانی که میانه خوبی با اسلام و قرآن ندارد و در لابلای کتاب‌های خود سخت به اسلام تاخته، همین اختلاف قرائت را بهانه حمله به قرآن قرار داده و آن را شاهی بر اضطراب متن آن تلقی کرده است، می گوید:

«لا يوجد كتاب تشريعي اعترف به طائفة دينية اعترافاً عقدياً على أنه نص منزل او موحى به، يقدم نصه في أقدم عصور تداوله، مثل هذه الصورة من الاضطراب و عدم الثبات، كما نجد في نص القرآن. هیچ کتاب دینی یافت نمی شود که یک گروه دینی بر اساس اعتقادات خود آن را به عنوان نص آسمانی نازل شده یا نص وحی شده تلقی کرده و کاربست آن کتاب از قدمت تاریخی زیادی برخوردار باشد و در عین حال مانند آن چه که ما در متن قرآن می بینیم، این چنین دارای اضطراب و عدم ثبات باشد».

۲-۳- برخی دیگر از مستشرقان وجود اختلاف قرائات را شاهی بر تدوین متن قرآن در اواخر قرن دوم و یا اوایل قرن سوم دانسته و بدین ترتیب اصالت و آسمانی بودن این کتاب را مورد تردید قرار داده اند.

۳-۳- شماری از مستشرقان اختلاف قرائات را به معنای راهیافت تحریف در قرآن دانسته اند. چنان که رژی بلاشر نیز از برخی از خاورشناسان نقل کرده که اختلاف قرائات قرآن را به معنای نفی قداست قرآن برشمرده اند. و برخی دیگر از آنان ضمن یکی دانستن روایات احرف سبعة با پدیده قرائات سبعة که در قرن دوم پدید آمد، مدعی راهیافت تحریف در قرآن شدند.

بخش چهارم: اختلاف قرائات و شبهه تحریف قرآن

چنان که اشاره کردیم وجود اختلاف قرائات در تاریخ قرآن، دستاویزی برای برخی از خاورشناسان برای ادعای راهیافت تحریف در قرآن فراهم ساخت. به عنوان مثال: آنان می گویند اختلاف قرائت بر سر واژه «مالک» در آیه «مالک یوم الدین» (فاتحه/۴) و این که برخی مدعی اند که قرائت صحیح ملک است، دلیل بر راهیافت تحریف و تغییر در قرآن است. یا وقتی در قرائت ورش در آیه «يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (بقره/۹) واژه «یخادعون» به واژه «یخدون» تغییر شکل داده است، این امر دلیل راهیافت تحریف در قرآن است. این شبهه به دلایل ذیل مردود است:

دلیل اول: در تحریف اصطلاحی دو عنصر اصلی وجود دارد:

۱- در تحریف کنش ارادی وجود دارد به این معنا که محرف از روی عمد و آگاهی دست به تغییر یک متن می زند از این جهت تحریف با تصحیف متفاوت است. زیرا در تصحیف متن بدون توجه و آگاهی در اثر اشتباه در هنگام استنساخ یا چاپ دچار تغییر می شود.

۲- تحریف همواره با نوعی خیانت در نقل صحیح یک گفتار همراه است و محرف از رهگذر تغییر متن به دنبال پنهان ساختن یک حقیقت یا جایگزینی یک آموزه مورد نظر خود است. کارکرد این کلمه در قرآن نظریه پیشگفته را تایید می کند. در سوره بقره در باره یهود چنین

آمده است: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (بقره/۷۵). آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می کردند و خودشان هم می دانستند. عبارت: «مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» «کاملاً نشان می دهد که آنان برغم فهم متن و آگاهی از آن چه خداوند آورده است، آن متن را تغییر می دادند. در آیه ۷۹ این سوره چنین آمده است: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره/۷۹). پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده ای] با دستهای خود می نویسند، سپس می گویند: این از جانب خداست، تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند؛ پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته، و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می آورند.

در این آیه شریفه سه نشانه وجود دارد که نشان می دهد در تحریف عمد، آگاهی و نیت سوء وجود دارد:

۱-نگاشتن کتاب به دست خود و ادعای نزول آن از سوی خداوند.

۲- دنبال کردن بهای ناچیز دنیوی در برابر تحریف.

۳- وعده عذاب الهی که طبعاً با وجود علم و قصد سوء قابل توجیه است.

تعریفی که در منابع لغت در باره واژه تحریف آمده نیز وجود دو عنصر گفته شده را تایید می کند. به عنوان نمونه ابن منظور تحریف را به معنای تغییر دانسته و می گوید تحریف در قرآن به معنای تغییر کلمه از معنای آن است. (۱۵)

زبیدی نیز تحریف را به معنای تبدیل و تغییر دانسته است. (۱۶) در فرهنگ فارسی معین تحریف به معنای تبدیل، تغییر کلام از وضع، طرز و حالت اصلی آمده است. (۱۷)

این در حالی است که در قرائات دو عنصر آگاهی و قصد سوء وجود ندارد. به این معنا که هیچ یک از پدید آورندگان قرائت های مشهور و غیرمشهور از یک سو ادعا نکرده اند که از قرائت صحیح و قرائتی که به طور قطع از پیامبر نقل شده اطلاع داشته و در عین چنین آگاهی ای، قرائتی دیگر را پیشنهاد کرده اند. از سویی دیگر هیچ کس حتی آن دسته از خاورشناسانی که وجود قرائت های مختلف را به معنای راهیافت تحریف در قرآن دانسته اند، ادعا نکرده اند که پدیدآورندگان قرائت ها قصد تبدیل و تغییر در متن قرآن را داشته اند. تاریخ زندگی قاریان بزرگ از نظر تمام تراجم نگاران نشان گر آن است که آنان اندیشمندانی مسلمان بوده اند که عمر خود را در نشر ترویج قرآن صرف کرده بودند. البته در آنجا که برخی از قرائت ها را از روی اجتهاد قاریان دانسته اند تلویحاً از قاریان بخاطر دخالت دادن دیدگاه های شخصی در قرائت قرآن انتقاد شده است. اما در این دست از موارد نیز کسی مدعی نیست که آنان از روی آگاهی به قرائت قطعی قرآن و به هدف تبدیل و تغییر در متن وحی دست به چنین اقدامی زده اند.

احتمالاً آنان کار خود را از نوع تفسیر قرآن قلمداد می کرده اند؛ یعنی گمان می کردند که در قرائت قرآن مانند تفسیر، اجتهاد راه می یابد. هر چند چنین نگاهی نادرست ارزیابی می شود، اما بدلیل اشتباه یک مفسر در تفسیر یک آیه، نمی توان لزوماً آن را به معنای گامی در جهت تحریف و تبدیل متن قرآن تلقی کرد.

شاهد مدعا که در پدیده قرائت، عناصر معنایی تحریف وجود ندارد آن است که:

اولاً: تمام اندیش وران مسلمان، راهیافت تحریف لفظی از نوع کاستی و فزونی در قرآن را با استناد به ادله مختلف عقلی و نقلی مردود دانسته اند. در حالی که عموم آنان در آثار قرآنی، حدیثی، کلامی، فقهی و تاریخی از قرائت های مختلف با نگاه مثبت سخن به میان آورده اند. با استناد به حدیث «انزل القرآن علی سبعة أحرف» (۱۸) کثرت قرائت را امری شرعی و مستند به توسعه رحمت الهی نسبت به بندگان ارزیابی کرده و تا کنون کتاب های فراوانی در باره پدیده

اختلاف قرائات فراهم ساخته و از چند و چون این اختلاف، سخن به میان آورده اند و بسیاری از فقیهان فریقین بر جواز قرائت نماز بر اساس قرائت های هفتگانه مشهور، تاکید کرده اند.

ثانیاً: همه اندیش وران مسلمان به یکصدا هر اقدامی را در جهت تحریف و تغییر قرآن حرام و ممنوع می دانند و عموم آنان با این نگاه برغم پذیرش راهیافت خطا در رسم الخط عثمانی، تغییر و تصرف در آن را ناروا اعلام کرده اند. چنان که با انتشار قرآن که سوره های آن بر اساس نزول چینش شده باشد، مخالفت می کنند.

در حالی که همه آنها روایات ترتیب نزول سوره ها را نقل می کنند و انتشار چنین مصحفی به معنای راهیافت تغییر در کلمات یا عبارت های قرآن نیست. چنین برخوردی، نشان از آن دارد که اگر در پدیده اختلاف قرائات عناصر معنایی تحریف تحقق می داشت، هیچ گاه با این پدیده این چنین با نگاه مثبت برخورد نمی شد.

دلیل دوم: باید میان اقدام به تحریف قرآن با راهیافت تحریف در آن تفاوت قائل شد. چنان که باید میان اقدام به تحدی با قرآن با ارائه گفتاری نظیر قرآن فرق گذاشت. آن چه که از ادله عقلی و نقلی نظیر آیه حفظ (۱۹) می توان دریافت این است که به یمن حفاظت و مراقبت الهی هیچ گاه در قرآن تحریف و تغییر راه نمی یابد. مفاد صریح آیه نفی باطل همین نکته است آنجا که آمده است: «وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت/ ۴۱ و ۴۲). اما این امر بدان معنا نیست که هیچ اقدامی در جهت تحریف قرآن انجام نمی گیرد. همچنین، ممکن است در گذشته اقداماتی برای تبدیل و تغییر در قرآن انجام گرفته یا در آینده انجام گیرد، آن چه در این بین مهم است تاکید بر ناکامی این دست از اقدامات زیوانانه است، یعنی خداوند کاری می کند که هیچ گاه این دست از تلاش ها راه به جایی نبرد. به عنوان مثال چندی پیش به هدف تخریب مبانی فکری قرآن از سوی آمریکاییان قرآنی با نام «الفرقان» منتشر شد که در آن آیات جهاد حذف شده بود. این امر برای برخی از جوانان و عموم مردم شبهه راهیافت تحریف در قرآن را تداعی کرد. در حالی که این اقدام به هیچ وجه به معنای راهیافت تحریف در قرآن تلقی نمی گردد.

زیرا وقتی با صرف نظر از مساجد و مراکز مذهبی، در خانه یک و نیم میلیارد مسلمان در سرتاسر جهان حداقل یک نسخه از قرآن وجود داشته باشد و این کتاب آسمانی به صدها زبان دنیا ترجمه شده باشد و صدها تفسیر موجود از متن آن به طور طبیعی حراست کنند، آیا دیگر رهیافت تحریف در آن معنا پیدا می‌کند؟!

مفهوم این سخن آن است که وقتی متن اصلی یک کتاب به وفور در میان مردم وجود داشته باشد دیگر تحریف آن معنا نخواهد داشت. این نظیر آن است که با در اختیار بودن سند اصلی یک خانه در دست مالک اصلی، کسی با در دست داشتن سند جعلی مالکیت آن خانه را ادعا کند. چنین شخصی حتی با مراجعه به دادگاه صرفاً خود را در معرض سخریه و زحمت قرار داده است. زیرا به او گفته می‌شود اگر سند اصلی مفقود می‌شد شاید پذیرش ادعای مالکیت ممکن بود، ولی با وجود سند اصلی جایی برای چنین ادعایی باقی نمی‌ماند. درباره پدیده قرائات درست همین حقیقت تحقق دارد. به این معنا که اگر بر فرض بپذیریم که قصد قاریان ایجاد تغییر و تحریف در متن قرآن بوده است، چنین قصدی زمانی امکان تحقق خارجی می‌یافت که با صرف نظر از جهان قاریان و اختلافات آنان در باره قرائت فلان آیه، متن شسته و رفته و کاملی از قرآن در میان مردم وجود نداشته و در اثر خطای قاریان و یا قصد سوء آنان، متن اصلی قرآن دستخوش تغییر و تبدیل می‌شد. اما به استناد ادله تاریخی و روایی، قرآن طبق قرائت پیامبر اکرم (ص) که حفص از طریق عاصم و او از طریق حضرت امیر (ع) آن را روایت کرد، آن چنان در میان مردم شایع و رایج شد که دیگر جایی برای کشاندن شدن اختلاف قرائات در میان مردم جز در مناطق و دورانی محدود باقی نگذاشت. بدین جهت است که در روایات اهل بیت (ع) میان قرآن و پدیده قرائات تفکیک شده و اعلام شده که قرآن دارای یک حقیقت واحد است که از سوی خدای واحد فرو فرستاده شد و قرائات پدیده ای است که از سوی قاریان رخ نموده است. امام باقر (ع) در این باره فرمود: «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنْ الْإِخْتِلَافُ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرِّوَاةِ» (۲۰) برخی از صاحب نظران با الهام از این گفتار امام باقر (ع) (بر جدایی پدیده قرائات با حقیقت قرآن پای فشرده اند) (۲۱).

از سویی دیگر، کتابی که به عنوان ریسمان الهی برای رفع اختلاف آمده و عدم راهیافت و اختلاف در آیات آن از جمله دلایل اعجاز آن بر شمرده شده است، (۲۲) چگونه خود می‌تواند قرائت‌های مختلف که عموماً زمینه‌ساز انواع برداشت‌ها و تفاسیر مختلف و گاه متناقض شده، را برتابد! بدین جهت برغم آن که در عموم تفاسیر پیشین به اجمال یا تفصیل از پدیده اختلاف قرائات سخن به میان آمده است و در تفسیری همچون مجمع البیان مباحث مفصل و مبسوطی در ذیل عموم آیات در قالب دو محور: «القرآن» و «الحجّه» انعکاس یافته به این معنا که امین الاسلام طبرسی در محور نخست اختلاف قرائات آیه را منعکس ساخته، آنگاه در محور الحجّه دلایل هر یک از قرائت‌ها را ذکر کرده است. در عموم تفاسیر دوران معاصر، محوری به عنوان «قرائات» در بررسی تفسیر آیات در نظر گرفته نشده است. بر اساس گفتار پیشین، شبهه اول و دوم پیشگفته خاورشناسان مبنی بر آنکه اختلاف قرائات به معنای وجود اضطراب در متن قرآن است یا آن که مستلزم تدوین قرآن در سده دوم و سوم است، بی اساس خواهد بود. زیرا این دست از شبهات بر مبنای یکی انگاشتن پدیده قرائات با قرآن شکل گرفته است. اما با امعان نظر به دو نکته که اولاً: قرآن یک حقیقت و قرائات حقیقت دیگری است؛ ثانیاً: قرآن با اراده خداوند و تعلیم و تلاش پیامبر اکرم (ص) میان مردم چنان گسترده شد که با تواتر بدست ما رسید، دیگر جایی برای این دست از شبهات باقی نمی‌ماند.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب گفته شده در می‌یابیم که اختلاف قرائات به چه دلایلی به وجود آمده است. با وجود این اختلاف قرائات که خاورشناسان آن را دستاویز قرار داده بودند که بگویند قرآن دچار تحریف شده است، اما دانشمندان مسلمان راهیافت تحریف لفظی از نوع کاستی و فزونی در قرآن را با استناد به ادله مختلف عقلی و نقلی مردود دانسته‌اند. در نتیجه به هیچ وجه قرآن دچار تحریف نشده است و بدون هیچ کم و کاستی به دست ما رسیده است.

پانوش

- ۱- الجزری، منجد المقرئین، ص ۴۹.
- ۲- الجزری، منجد المقرئین، ص ۴۹.
- ۳- الجزری، منجد المقرئین، ص ۴۹.
- ۴- الجزری، منجد المقرئین، ص ۴۹.
- ۵- قرآن کریم، ترجمه، توضیحات و واژه نامه: بهاء الدین خرمشاهی، ص ۶۵۸.
- ۶- طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۵.
- ۷- خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۱۶۳۶.
- ۸- قرآن کریم، ترجمه، توضیحات و واژه نامه: بهاء الدین خرمشاهی، ص ۶۵۸.
- ۹- طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۶-۳۸.
- ۱۰- حلی، تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۱۵.
- ۱۱- شهید اول، ذکر الشیعه، ج ۳، ص ۳۰۵.
- ۱۲- شهید ثانی، المقاصد العلیه، ص ۲۴۵.
- ۱۳- خوئی، ص ۱۲۳ - ۱۲۴ (ترجمه با تلخیص).
- ۱۴- سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۰۳.
- ۱۵- ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۴۳.
- ۱۶- زبیدی، تاج العروس، ج ۱۲، ص ۱۳۴.

١٧- معین، فرهنگ معین، ج ١، ص ١٠٣٧.

١٨- مجلسی، بحار الانوار، ج ٣١، ص ٢٠٧.

١٩- حجر/٩.

٢٠- کلینی، الکافی، ج ٢، ص ٦٣٠.

٢١- التمهید فی علوم القرآن، ج ٢، ص ٧٦-٧٧.

٢٢- علامه طباطبائی، المیزان، ج ١، ص ٦٦.